

مورمون‌ها یک فرقه مذهبی هستند که خود را پیروان راستین عیسی مسیح می‌دانند. ایشان جماعت خود را به نام کلیسای عیسی مسیح وابسته به مقدسین روزه‌های آخر می‌خوانند. این فرقه با داشتن مکاشفات جدید و اضافه کردن کتاب‌های دیگر در کنار کتاب مقدس (تنها منبع مورد موثق و اعتبار) خود را از مسیحیت اصیل جدا کردند. توانایی مالی بالا باعث باعث نفوذ و تاثیر زیاد این فرقه در میان ملیت‌های مختلف در کشورهای مختلف دنیا است.

بنیانگذار و تاریخ پیدایی این جماعت

ژورف اسمیت، بنیانگذار فرقه مورمون‌هاست. او در سال ۱۸۲۰ زمانی که ۱۵ ساله بود، به گفته خود رویایی از جانب خدا دریافت کرد که در آن به او گفته شد همه کلیساها در اشتباهند و او نباید به هیچ‌کدام بپیوندد. ژورف مجدداً در ۱۸ سالگی رویایی دیگر دریافت کرد که در آن از جانب فرشته‌ای به نام مورونی به او ماموریتی عظیم داده شد تا به دنبال الواح طلائی و لوحه‌های قدیمی بگردد. سرانجام در سال ۱۸۳۰ پس از به دست آوردن این الواح و ترجمه آنها این کتاب‌ها به عنوان کتاب‌های مورمون‌ها انتشار یافت. اگر چه ژورف اسمیت از شرایط تحصیلی خوبی برخوردار نبود، اما با پیدا کردن عینک مخصوص در کنار الواح طلائی و گذراندن سه سال در خلوت و در پس پرده موفق به ترجمه متون شد و در انتها الواح طلائی را به فرشته باز پس داد. اسمیت به عنوان بانی این فرقه در سال ۱۸۴۳ چندموسری را متداول کرد و این عمل او باعث عدم محبوبیت مورمون‌ها از جانب روزنامه‌نگاران و سازمان‌های دیگر شد. اسمیت و برادرش، هیرام پس از سه روز بازداشت از طرف حکومت ایالتی ایلینویز در سال ۱۸۴۴ توسط افرادی مسلح که به زندان نفوذ کردند، کشته شدند. بدین شکل اسمیت به عنوان اولین پیامبر و شهید این فرقه نام گرفت. گفته شده که اسمیت در هنگام مرگ دارای ۴۸ همسر بود.

باورهای بنیادین

مورمون‌ها علاوه بر کتاب مقدس، سه کتاب دیگر را در کلیسای خود به رسمیت می‌شناسند. این کتاب‌ها عبارتند از: کتاب مورمون‌ها، اصول و پیمان‌ها، و کتاب مروارید گرانبها. کلیسای مورمون، سخنان پیامبران زنده خویش را در حد کتاب‌های مقدس می‌دانند.

کتاب مورمون مهاجرت افرادی است بنام جار دیت‌ها که پس از واقعه تاریخی سقوط برج بابل به سوی امریکا رهسپار شدند و به خاطر بت‌پرستی و ارتداد از بین رفتند. مهاجرت بعدی در سال ۶۰۰ قبل از میلاد به وقوع پیوست که در آن گروهی از یهودیان به فرمان خداوند و قبل از سقوط توسط بابلی‌ها، اورشلیم را ترک کردند. این گروه که توسط شخصی به نام لچی و پسرش، نافی رهبری می‌شدند، از اقیانوس اطلس عبور کردند و به جنوب امریکا رسیدند. در آنجا آنان به دو گروه رقیب

تقسیم شدند که عده‌ای طرفدار نافی و عده‌ای دیگر طرفدار برادرش، لامان گشتند. خدا لامان را به خاطر ناطاعتی لعنت کرد و به این خاطر، رنگ پوست او و خانواده‌اش تیره شد. سرخ‌پوستان امریکا از نژاد لامان‌ها هستند. نافی که مطیع و وفادار به احکام خداوند بود، افتخار این را پیدا کرد که عیسی مسیح قیام کرده را ملاقات کند. در این ملاقات، انجیل واقعی و راستین توسط عیسی مسیح به آنان موعظه شد. در ادامه اختلافات بین لامان و نافی لامان‌ها دست به نابودی زدند، ولی یکی از آنان به نام مورمون زنده ماند و قبل از مرگ تمام این وقایع را بر روی الواحی ثبت کرد. این لوحه‌ها به وسیله "مورونی"، پسر مورمون زیر خاک مدفون شد. ۱۴۰۰ سال بعد مورونی به صورت فرشته‌ای بر ژوزف اسمیت (بنیانگذار این فرقه) ظاهر شد و محل الواح را به او نشان داد.

اصول و پیمان‌ها مجموعه‌ای از مکاشفات ژوزف اسمیت است که در مورد کلیسای مسیح در روزهای آخر، مقام کاهنان و پیشگویی‌های آینده سخن می‌گوید.

کتاب مروارید گرانبها، این کتاب شامل سه بخش عمده است: نخست، کتاب ابراهیم که ترجمه یک پاپیروس مصری است، در سال ۱۸۳۵ توسط اسمیت ترجمه و چاپ شد. او مدعی بود که این طومارها توسط ابراهیم در ۴۰۰۰ سال پیش نوشته شده است.

دوم، کتاب موسی مجموعه مکاشفات ژوزف اسمیت است که گفته می‌شود از کتاب و شریعت موسی گم شده است. در این کتاب اطلاعاتی در مورد آفرینش جهان آورده شده است.

سوم، نوشته‌های ژوزف اسمیت که شامل اساسنامه، منتخباتی از تاریخ کلیسای مورمون و الهاماتی است که موسس این فرقه دریافت کرده است.

نگاهی به عقاید این فرقه

تثلیث مورمون‌ها به تثلیث معتقد هستند، اما تفسیر آنان از این آموزه با تفسیر مسیحیت ارتدکس در تضاد است. در تعلیم مورمون پدر، پسر و روح‌القدس سه خدا هستند که در ذات و ماهیت متفاوتند. پدر دارای گوشت و استخوان است که زمانی انسان بوده و سپس به مقام خدایی رسیده است. بر این اصل، هر انسانی این توانایی را در خود دارد که خدا شود. آنان می‌گویند که خدای پدر نیز دارای پدری بوده و به طور جسمانی از مادرش متولد شده است. خدای مورمون‌ها اسیر تکامل و تغییرپذیری است.

عیسی مسیح با انسان‌های دیگر تفاوت چندانی ندارد. او اولین روح خلق شده توسط خداست که نامش قبل از زندگی بر روی زمین بیهوده بوده است. او ابدی است، اما نه تنها او بلکه همه انسان‌ها در روح ابدی‌اند. طبق این نظریه مسیح یکی از روح‌ها بوده که جسم گرفت و اینک یکی از خدایان شده است. پس فرق مسیح و انسان‌ها نه در ذات، بلکه در ترتیب زمانی

جسم پوشیدن است. طبق این استدلال، کلیسای مورمون مسیح را برادر ارشد ما معرفی می‌کند. مسیح بی‌گناه و در هدف با خدا یکی است، اما او خدای مجسم شده نیست. او از تعدد زوجات حمایت کرده و در روی زمین با مریم، مرتا و مریم مجدلیه ازدواج کرده و بچه‌دار شده است.

روح‌القدس روح‌القدس با روح خدا متفاوت است و می‌توان آن را یک روح غیر شخصی نامید که مانند مایعی سیال در انسان‌ها به میزان متفاوتی قرار دارد. روح‌القدس تنها با دستگذاری کشیش‌های مورمون به اشخاص عطا می‌شود. مسیح به عنوان کفاره گناهان عمل مسیح به عنوان کفاره گناهان تنها قادر است که گناهان پیشین را پاک کند. به همین منظور انسان برای برای تحصیل نجات باید به اعمال نیکو دست یابد. عادل شمردگی توسط ایمان مردود است و نجات شامل ایمان به مسیح، توبه، تعمید آب، اعمال نیکو و تعمید روح‌القدس با دستگذاری کشیشان مورمون است. این نجات فرایندی است که به خدا شدن منتهی می‌شود. همچنین باید گفت که در خارج از کلیسای مورمون نجات وجود ندارد. تعمید به نیابت از مردگان از این جهت که تعمید آب توسط کلیسای مورمون برای تحصیل نجات ضروری است، مورمون‌ها علاقه زیادی به شجره‌نامه‌های خانوادگی دارند و سعی می‌کنند اجداد و نیاکان خود را شناسایی کرده و به نیابت از آنان تعمید یابند.

ارزیابی اصول اعتقادات مورمون‌ها با اینکه ادعا می‌شود کتاب مورمون در سال ۴۲۸ میلادی نوشته شده است، ولی حدود ۲۵۰۰۰ واژه آن عیناً از ترجمه انگلیسی کتاب مقدس (نسخه جیمز شاه، King James version) که در سال ۱۶۱۱ میلادی به چاپ رسیده، برداشته شده است. کلماتی که از زبان عیسی مسیح، پولس، پطرس و یوحنا در انجیل آمده است، در کتاب مورمون از زبان افرادی نقل می‌شود که سال‌ها قبل از میلاد مسیح می‌زیسته‌اند. کتاب مورمون مملو از اشتباهات تاریخی است. شواهد علمی در مورد نژاد سرخ‌پوستان امریکا با ادعای کتاب مورمون اختلاف دارد. طبق این تحقیقات علمی، نسل سرخ‌پوستان شباهت کاملی به نژاد مغول‌ها و مردمان خاور دور دارد. همچنین پژوهش‌های باستان‌شناسی تمدن عظیمی را که کتاب مورمون ارائه داده است، تأیید نمی‌کند.

در تحقیقات زبان‌شناسی، از زبان مصری اصلاح شده هیچ سخنی به میان نیامده است (زبانی که اسمیت ادعا می‌کرد کتاب مورمون را از آن ترجمه کرده است). اینکه بومیان اولیه امریکا به این زبان ناشناخته صحبت می‌کرده‌اند، به هیچ وجه اعتبار ندارد. این زبان برای متخصصان زبان‌های باستانی و حتی مصرشناسان نیز کاملاً بیگانه است.

آموزه‌های مورمون در مورد خدا

آموزه‌های مورمون‌ها در مورد خدا در مغایرت با کتاب مقدس است. خدای مورمون‌ها زمانی یک بشر بوده و در اثر تکامل به مقام خدایی رسیده است. در صورتی که کتاب مقدس صریحاً اعلام می‌کند که خدا روح است و هر که او را پرستش کند، باید

به روح و راستی بپرستد، انجیل یوحنا فصل ۴ آیه ۲۴. کتاب مقدس خدا را غیر قابل تغییر می‌داند. همان‌طور که رساله یعقوب فصل اول آیه ۱۷ می‌گوید. از جانب خدا فقط مواهب نیکو و کامل به ما می‌رسد، زیرا او آفریننده همه روشنایی‌هاست و خدایی است تغییرناپذیر.

وحدانیت خدا و وحدانیت خدا در کتاب مقدس بارها مورد تأکید قرار گرفته است. در کتاب اشعیا نبی آمده است که ای جمیع کران‌های زمین به من توجه نمایید و نجات یابید، زیرا من خدا هستم و دیگری نیست. کتاب اشعیا فصل ۴۵ آیه ۲۲ خدا واحد است و در میان خدا و انسان یک واسطه است: انسانی که مسیح عیسی باشد. کتاب دوم تیموتاوس، فصل ۲ آیه ۵. این در حالی است که در تعالیم مورمون‌ها خدایان زیادی وجود دارند.

عیسی مسیح شخصیت دوم تثلیث عیسی مسیح شخصیت دوم تثلیث و دارای الوهیت است. او با خدای پدر هم‌ذات است. او مخلوق نیست، آن‌طور که کتاب مورمون می‌گوید، بلکه از ازل وجود داشته است، انجیل یوحنا فصل اول آیه ۱. در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود. همان در ابتدا نزد خدا بود. همچنین انجیل یوحنا فصل اول آیه ۱۴، و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر. رساله کولسیان فصل ۱ آیه ۱۵ می‌فرماید: و او صورت خدای نادیده است نخست زاده تمامی آفریدگان. مقام الوهیت عیسی مسیح بوضوح در کتاب مقدس تعلیم داده شده است. او فرموده که من و پدر یک هستیم و در جای دیگر می‌فرماید: هر کس مرا دیده است، پدر را دیده است. همچنین کتاب کولسیان فصل ۲ آیه ۹ می‌گوید: در وی (مسیح) از جهت جسم تمامی پری الوهیت ساکن است. همین‌طور در کتاب عبرانیان فصل ۱۳ آیه ۸ اعلام می‌دارد که او تغییرناپذیر است. عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالابد همان است.

روح‌القدس به عنوان شخصیت سوم تثلیث روح‌القدس به عنوان شخصیت سوم تثلیث از مقام الوهیت برخوردار است. در کتاب اعمال رسولان چنین آمده است: آن‌گاه پطرس گفت: ای حنایا چرا شیطان دل تو را پر ساخته است تا روح‌القدس را فریب دهی. به انسان دروغ نگفتی بلکه به خدا، کتاب اعمال رسولان فصل ۵ آیه ۳ و ۴.

درست است که کلمه تثلیث در کتاب مقدس یافت نمی‌شود، ولی نمی‌توان منکر واقعیت آن شد. در سراسر کتاب مقدس صحبت از این است که پدر و پسر و روح‌القدس، هر سه قدرت خدایی دارند. تثلیث نشانگر وجود سه شخصیت در یک خدای واحد است؛ به عبارت دیگر، خدایی واحد مرکب که دارای یک ذات است. خدایی که مورمون‌ها می‌پرستند، در واقع سه خدای مجزا در زیر یک اسم است. همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، نجات در کلیسای مورمون به توبه، اعمال نیکو، تعمید آب و دستگذاری کشیشان بستگی دارد. کتاب مقدس نجات را تنها فیض خدا می‌داند و تنها راه تحصیل آن را ایمان به عیسی مسیح می‌داند، زیرا محض فیض نجات یافته‌اید، و این از شما نیست، بلکه بخشش خداست، کتاب افسسیان فصل ۲ آیه ۸.

زیرا اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت (کتاب رومیان فصل ۱۰ آیه ۹).

در کتاب مقدس اعمال نیکو نتیجه ایمان است و نه راه به دست آوردن آن. طبق تعالیم مورمون، گناه اولیه آدم برای تشخیص نیک و بد ضروری بود. کتاب مقدس سقوط آدم را نتیجه گناه می‌داند. این گناه باعث قطع رابطه خدا و آدم شد. با این گناه، نسل بشریت نیز آلوده شد. لذا همچنان که به وساطت یک آدم گناه داخل جهان شد و به گناه موت، و به این‌گونه موت بر همه طاری گشت از آنجا که همه گناه کردند (کتاب رومیان فصل ۵ آیه ۱۲). در کتاب مقدس، گناه به هر صورتی که باشد، به معنی شکستن قوانین خداست. خدای کتاب مقدس، خدای قدوس است و از گناه نفرت دارد. عیسی مسیح بارها هشدار داد که بعد از او افراد زیادی خواهند آمد که خود را مسیح و نجات‌دهنده خواهند خواند. او مردم را تعلیم داد که به او ایمان داشته و گمراه نشوند. عیسی در جواب ایشان گفت: زنه‌ار کسی شما را گمراه نکند! از آن رو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد (انجیل متی فصل ۲۴ آیه ۴). در همین باب آیه ۱۱ مسیح چنین می‌فرماید: و بسا انبیای کذب ظاهر شده، بسیاری را گمراه کنند. وجود انجیلی دیگر غیر از انجیل عیسی مسیح نیز بشدت مردود اعلام شده است. بلکه هر گاه ما هم یا فرشته‌ای از آسمان، انجیلی غیر از آن که ما به آن بشارت دادیم به شما رساند، اناتیما (لعنت) باد (کتاب غلاطیان فصل ۱ آیه ۸). تعمیم به نیابت از طرف مردگان در هیچ قسمت از کلام خدا تعلیم داده نشده است. مورمون‌ها با تفسیر اشتباه اول قرن‌تیاں باب ۱۵ آیه ۲۹ به این نتیجه رسیده‌اند. در حالی که منظور پولس رسول تایید این موضوع نیست و او در استدلال خود مبنی بر واقیت رستاخیز مردگان از این عمل که در بین افرادی رواج یافته بود، استفاده می‌کند.

نکته جالب در این است که در این‌جا روی صحبت با ایمان‌دارانی است که در ایمان خود نسبت به رستاخیز و زندگی پس از مرگ سست شده‌اند. دیدگاه مورمون در زمان‌های آخر، مبنی بر نجات همگان است. در اعتقاد ایمان یک نوع نجات عمومی هست که شامل همه مردم دنیا می‌شود و یک نوع نجات فردی نیز هست.

وجود بهشت و جهنم در تعالیم مورمون چندان روشن نیست. مجازات ابدی در تعالیم مورمون جایی ندارد. آنان انسان‌ها را به طبقات مختلفی که در ملکوت در نظر گرفته‌اند، تقسیم می‌کنند. کتاب مقدس صریحاً در مورد حیات جاودان و عذاب جاودان تعلیم می‌دهد. مسیح فرمود که این جدایی در پایان جهان است و هر انسانی متعلق به یکی از این دوست.

زیرا خدا جهان را این‌قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد، هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد (یوحنا فصل ۳ آیه ۱۶). عذاب جاودان برای آنانی است که به عیسی مسیح ایمان نمی‌آورند.

مورمون معتقد است که همه موجودات اعم از انسان و حیوان و گیاهان قبلاً به صورت روح خلق شده و سپس شکل مادی به خود گرفته‌اند. کتاب مقدس فصل ۱ آفرینش جهان را کار دست خدا می‌داند که نه به صورت روح خلق شده است. خدا در ۶ روز جهان را آفرید و تمامی خلقت کامل و نیکو بود. تعالیم کلیسای مورمون از آغاز تا کنون دستخوش تغییرات زیادی شده است. انبیای زنده این کلیسا بارها نظرات انبیای قبل از خود را نقض کرده‌اند. به عنوان مثال بریگهام یانگ بر این اعتقاد بود که آدم همان خدای پدر است که در اثر رابطه جنسی با مریم باکره، پدر جسمانی مسیح شد. این تعلیم چند سال بعد توسط یکی دیگر از انبیا رد شد. با اینکه یانگ این گفته خود را مکاشفه‌ای از جانب خدا می‌دانست، ولی امروز کلیسای مورمون این تعلیم را رد می‌کند.

اعتقاد جدید مبنی بر این است که آدم اولین فرزند خدا بود که جسم خاکی پوشید و در زمین زندگی کرد. این موارد این سؤال را ایجاد می‌کند که یا خدا در کلام خود تجدید نظر کرده است که در این صورت خدا را دروغگو نشان می‌دهد و یا اینکه گفته این پیامبر بی‌اساس بوده است.

امروزه کلیسای مورمون اعلام کرده است که هیچ پیامبری حق آوردن پیامی را از طرف خدا ندارد، مگر آنکه به تأیید شورای رهبران کلیسا برسد. نیوت‌ها در این کلیسا بر دو نوع است: گفته‌هایی که از طرف خدا بر آنها نازل شده است، و سخنانی را که مورمون‌ها آنها را صرفاً عقاید شخصی پیامبران خوانده‌اند. برای مثال اسمیت مدعی شده بود که در کره ماه آدم زندگی می‌کند و یانگ مدعی وجود موجودات زنده در خورشید شد.

ایمان در کلیسای مورمون چنین تعریف شده است: اعتقاد به این حقیقت که عیسی نجات‌دهنده جهان و ژوزف اسمیت پیامبر حقیقی و راستین خداست. مقام اسمیت در کلیسای مورمون بسیار بالاست، به طوری که در کنار ایمان به عیسی برای نجات، وساطت ژوزف اسمیت نیز نقش مهم و حیاتی دارد. امروزه بانی این فرقه حتی مقام بسیار بالاتری از یک پیامبر را در این کلیسا دارد. در کتاب مورمون پیشگویی‌های قید شده که نادرستی آن آشکار شده است.